



## علم ادیان از نظر تکامل اجتماعی

در این مقاله ، بتاريخ علم ادیان ، از نظر تکامل اجتماعی نظری عاجل می افکنیم و ادیان جهان را ، از آغاز تا کنون ، مطابق مکتب تکامل اجتماعی ، باختصار مورد بررسی قرار میدهیم . در این مباحث بی طرفی شیوهی تحقیق ماست .

بحث از علم ادیان باروش علمی ، یعنی باشیوهی حقیقت پژوهی و بی طرفی ، تحت عنوان علم ادیان که در اصطلاح دین شناسان گاهی بنام «علم تطبیق ادیان» و گاهی به نام «تاریخ ادیان» خوانده می شود ، اکنون از شعب و مباحث علوم اجتماعی (مردم شناسی ، جامعه شناسی و تاریخ شناسی) و وابسته به رشته های آن علوم شمرده می شود ؛ از این رو مشمول قواعد آن علوم است و جنبه ی علمی دارد .

یکی از قواعد آن علوم ، بویژه جامعه شناسی ، بی طرفی و دخالت ندادن سلیقه و عقیده ی شخصی و خصوصی بحث کننده و پژوهشگر است . پژوهشگر در علم ادیان ، در بررسی مسائل ادیان و مذاهب و در تطبیق آنها بایکدیگر ، از نظر حق و باطل شمردن و خودی و بیگانه دانستن نباید وارد بحث شود . زیرا چنانکه گفته شد دین شناسی یا علم تطبیق ادیان ، از فروع علوم اجتماعی شمرده می شود و در آن علوم جنبه های حق و باطل و خودی و بیگانه رعایت نمی شود و در مدنظر قرار نمی گیرد ؛ بلکه هدف اصلی ، حقیقت

☆ آقای دکتر یوسف فضائی از پژوهندگان صاحب نظر معاصر

جوئی و شناختن کیفیت و کمیت فرهنگ مادی و معنوی اجتماع بشری و نهادهای آن است، بدون مطرح کردن عنوانهای حق و باطل. عقاید و مناسک و تشکیلات ادیان و مذاهب جوامع بشری در نزد علمای علم ادیان، جزء فرهنگ اجتماع است، بر این مبنا، علاقه-مندان آن علم و بخصوص دانشجویان علم تطبیق ادیان باید بدانند که اولاً تحقیق و مطالعه‌ی ادیان جنبه‌ی علمی جامعه‌شناسی دارد، ثانیاً نباید جنبه‌های خودی و بیگانه‌وحق و باطل شمردن را در آن در نظر بگیرند. در غیر این صورت بتزلزل فکری و پیش‌داوری دوچار خواهند شد و در نتیجه، یا عقیده‌ی خصوصی خود را از دست می‌دهند، و یا در بحث از علم ادیان نمی‌توانند دقیق و عمیق باشند.

مسائل مربوط به علم ادیان، بآن معنا که اشاره شد، یعنی بحث و تحقیق از عقاید و مناسک ادیان و تطبیق و مقایسه‌ی آنها بایکدیگر، مطابق روش و قواعد جامعه‌شناسی، از اواخر قرن هیجده میلادی به وسیله‌ی بعضی جامعه‌شناسان و فلاسفه و مردم شناسان غربی مانند: دیوید هیوم<sup>۵</sup> انگلیسی (۱۷۷۶-۱۷۱۱ میلادی)، شارل دو بروس<sup>۳</sup> فرانسوی (۱۷۷۷-۱۷۰۹ میلادی) و اگوست کنت<sup>۴</sup> فرانسوی (۱۷۹۸-۱۸۵۷ میلادی) شروع شد و در قرن نوزدهم، به وسیله‌ی جامعه‌شناسان و مردم شناس بزرگ غربی مانند: سر ادوارد تیلور<sup>۵</sup> انگلیسی (متوفی بسال ۱۹۱۷ میلادی)، امیل دورکهم<sup>۶</sup> فرانسوی (۱۹۱۷-۱۸۵۸ میلادی) و رابرت سون اسمیت<sup>۷</sup> مردم شناس اسکاتلندی (انگلیسی) (۱۸۹۴-۱۸۴۶ میلادی) و جز آنان گسترش یافت و به وسیله‌ی دین شناسان معاصر قرن بیستم غربی مانند سر جیمز فرائر<sup>۸</sup> انگلیسی (۱۹۴۱-۱۸۵۹ میلادی)، پروفیسور پاریندر<sup>۹</sup> مردم شناس و دین شناس معاصر انگلیسی و دیگران که در اروپا و امریکا تحقیقاتی در علم ادیان نموده‌اند تکمیل گشت. این گونه دانشمندان علم ادیان دین را از مسائل مباحث علوم اجتماعی و جزئی از فرهنگ جامعه‌ی انسانی شمرده‌اند. فرهنگ در اصطلاح علم جامعه‌شناسی، موضوع آن نام و به هر آنچه که انسان در زندگی اجتماعی خود، از آغاز تا کنون، ساخته و به وجود آورده است اطلاق و گفته می‌شود. چون محصول فرهنگی انسان در تمدن خودم مادی و هم غیر مادی است از این رو فرهنگ یا میراث اجتماعی او دو گونه است:

- ۱- فرهنگ معنوی که شامل عقاید و افکار فلسفی و دینی و ادبیات و اساطیر و علوم و آداب و رسوم و مقررات و قوانین اجتماعی و معیارهای اخلاقی و ارزشهای دینی است.
  - ۲- فرهنگ مادی که عبارت است از همه‌ی صنایع و اختراعات و تشکیلات مادی و هر آنچه که انسان در زندگی اجتماعی برای راحتی خود از مسکن و پوشاک و خوراک و تجملات ساخته و به وجود آورده است.
- علمای علم ادیان، دین هر جامعه - اعم از جوامع ابتدائی و پیشرفته و متکامل -

را جزئی از فرهنگ معنوی آن شمرده‌اند که در زندگی اجتماعی به وجود آمده و به موازات مراحل تکامل اجتماعی جوامع و مطابق و متناسب مقتضیات متحول و در حال تکامل نظامهای متفاوت تاریخ اجتماعی و تحول و تکامل یافته و مانند پدیده‌های دیگر فرهنگ معنوی اجتماعات انسانی، از آغاز پیدائی خود تا کنون، مراحل مختلف را پیوده است.

### مراحل تحول و تکامل ادیان

در اینجا مناسب است به این موضوع اشاره شود که امروزه در میان علمای علم ادیان، قریب به اتفاق جامعه‌شناسان غربی، که معتقد به مکتب تکامل اجتماعی و فلسفه علمی دیالکتیک تاریخی هستند بر آنند که دین نیز مانند دیگر مظاهر فرهنگی تابع قانون تحول و تکامل اجتماعی بوده است. دین در این سیر تکاملی مراحل را پیوده و در هر مرحله دارای کیفیات و خصوصیات مناسب خاص آن مرحله بوده و در آن مسیر، دین مرحله‌ی قبلی، پایه و مایه‌ی اولیه‌ی دین مرحله بعدی و در نتیجه صورت متکامل مرحله‌ی قبلی بوده است.

این عقیده را مکتب تکاملی در تاریخ ادیان می‌گویند. در برابر این مکتب که اکثر قریب به اتفاق جامعه‌شناسان آن را پیروی و اثبات می‌کنند یک عقیده سنتی و تقریباً غیر علمی نیز از قدیم بوده و اکنون نیز بعضی جامعه‌شناسان ایده‌آلیست از آن پیروی می‌کنند. مطابق آن عقیده، موضوع تکامل دین انکار شده و پیروان آن معتقد شده‌اند که دین و مسائل الهیات سیر قهرائی طی کرده است. بنابراین نظریه، در آغاز تشکیل زندگی اجتماعی انسان به خدای واحد و حقیقی معتقد بوده که آن حقایق به مرور زمان دچار انحطاط شده و به صورت شرك و بت پرستی تبدیل شده است.<sup>۱۰</sup>

در اصطلاح علم ادیان، این عقیده را «داینامیسم»<sup>۱۱</sup> خوانده‌اند که مطابق آن چنین تصور شده است که بشر نخستین اقوام ابتدائی، در آغاز به یک نیروی کلی محرك اشیاء در جهان و در بطن موجودات، بدون تشخیص، قائل و معتقد بوده است.

اصطلاح «داینامیسم» از زبان قدیم یونانی گرفته شده و به معنای نیروی کلی و نا متعین است. این اصطلاح به وسیله‌ی آلفرد برتلت<sup>۱۲</sup> در علم ادیان در آن معنایه کار برده شده است. خلاصه‌ی آن نظریه این است که: جوامع اولیه انسانی به یک نیروی لاهوتی نامعلوم و نامرئی و غیرمادی در جهان و اشیاء معتقد بوده‌اند که آن نیرو در همه چیز ساری و جاری تصور می‌شده است ولی به مرور زمان آن تسوید دچار انحطاط شده و به صورت شرك و بت پرستی تبدیل شده است.<sup>۱۳</sup>

بیشتر کسانی که تفکر ایده‌آلیستی داشته و دارند، و روایات سنتی را حجت و بدون تفسیر قبول می‌کنند پیرو نظریه‌ی داینامیسم هستند. به خصوص از قدیم، متکلمان ادیان سامی و مذاهب ابراهیمی (دین‌های یهود، مسیح و اسلام) مطابق روایات قدیم و سنتی

گفته‌اند: حضرت آدم که در آن روایات «ابوالبشر» شمرده شده است و حضرت ابراهیم دین‌حقیقی و توحید را برای مردم قدیم تشریح کردند از این رودر آغاز همه‌ی اقوام مسوحد بودند اما به گذشت زمان و به مرور قرون و اعصار اولاد آدم از راه توحید منحرف شده و به آئین شرک و بت پرستی متمایل و کشیده شدند<sup>۱۴</sup>.

ولی چنانکه قبلاً اشاره شد، اکثر دین‌شناسان و جامعه‌شناسان که از ادیان بحث کرده‌اند مانند ادوارد تیلور و امیل دورکهم، با دلایلی که اقامه کرده‌اند این نظریه را رد نموده‌اند. دیوید هیوم، فیلسوف و جامعه‌شناس انگلیس قرن ۱۸، می‌گوید: «تا آنجا که تاریخ نشان می‌دهد چنین پیداست که آدمیان در روزگاران قدیم همه مشرک بوده‌اند. آیا با این همه می‌توانیم بگوئیم که مردمان در زمانهای دیرین تر، پیش از پیدائی فن کتابت یا کشف هر گونه هنر و دانش، به اصول خداشناسی محض عقیده داشته‌اند؟ این ادعا بدان معنا است که مردمان نازمانی که نادان و درنده‌خو (وحشی) بودند، حقیقت را می‌دانستند ولی همینکه دانش و ادب فرا گرفتند راه را گم کردند»<sup>۱۵</sup>.

ادوارد تیلور گفته است: هیچ‌گونه دلیل مقتضی وجود ندارد که ثابت کند یک جامعه‌ی با فرهنگ و متکامل سیر قهقرائی کرده و به صورت جامعه‌ی بی‌فرهنگ تنزل نموده باشد.<sup>۱۶</sup> علمای علم ادیان که طرفدار نظریه‌ی تکامل ادیان هستند معتقدند که ادیان در مسیر تاریخ خود مشمول قانون تحول و تکامل عمومی بوده و مانند موارد دیگر فرهنگ اجتماع چند مرحله‌ی راطی کرده و به صورت‌های مختلف، به مقتضای محیط‌های گوناگون، درآمده‌اند.

### نظریات دین‌شناسان در مراحل تکامل ادیان

از قرن نوزده میلادی در میان دین‌شناسان غربی در تعیین مراحل تکامل ادیان نظریه‌هایی اظهار شده است که مادر کتاب «بنیانهای اجتماعی دین»، که در سال ۱۳۵۶ توسط انتشارات توکا چاپ و منتشر شده است با تفصیل بیشتر نقل و توجیه کرده‌ایم و در اینجا به خلاصه‌ای از آن اشاره می‌کنیم. دین‌شناسان مذکور در طبقه‌بندی مراحل تکامل ادیان اظهارات مشابهی نموده‌اند. جان لوبالک<sup>۱۷</sup> مردم‌شناس امریکائی، در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، برای تحول و تکامل دین پنج مرحله به ترتیب زیر قائل شده است:

۱ - مرحله‌ی بی‌خدائی که انسان در آن دوره جز، تصورات مبهم درباره‌ی جادو و خوش‌بینی و بدبینی چیزها هیچ‌گونه عقیده و تصور معینی از دین نداشته است.

۲ - مرحله‌ی دوم طبیعت پرستی، یا «توتیمسم»<sup>۱۸</sup> که انسان‌های ماقبل تاریخ در آن دوره برخی اشیاء طبیعی بیجان (فتیشها) و بعضی جانداران مقدس (توتماها) را مورد تقدیس و عبادت قرار داده و آنها را تعظیم می‌کردند.

۳ - مرحله‌ی سوم، جان‌گرایی یا روح‌پنداری و پرستش ارواح که آن را در اصطلاح

علم ادیان «آنی میسم»<sup>۱۹</sup>، یعنی اعتقاد به وجود ارواح در همه چیز و در همه جا مانند اشباح و اجانین می نامند .

۴ - مرحله ی چهارم، شیوه ی بت پرستی و آئین شرك و چندخدائی (پلی تیئزم)<sup>۲۰</sup> است که در آن مرحله، ارواح مرحله ی قبلی تکامل نموده و به صورت خدایان در آمدند که در نظر مشرکان آن خدایان دارای صفات و طبایع انسانی در درجه ی اعلا تصور می شدند که رفته رفته جنبه ی تجرد و روحانیت پیدا کردند .

۵ - مرحله ی پنجم، یگانه پرستی و یکخدائی مونوتئزم<sup>۲۱</sup> است که انسان در آن دوره که از حدود سه هزار سال پیش شروع شده است ، از میان خدایان متعدد و شریک هم، یک خدا را انتخاب نموده و او را خدای یگانه شمرده است<sup>۲۲</sup>.

ادوارد بارنت تیلور انگلیسی ، مراحل تکامل دین را چهارگانه شمرده و گفته است :

۱ . شکل نخستین دین در مرحله ی اول ، آئین نیاپرستی و شیوه ی پرستش اجداد بوده که در آن مرحله، برای ترضیه ی خاطر ارواح اموات در جهت تقدیس آنها، مراسم احترام و تعظیم انجام می دادند .

۲ . مرحله ی دوم ، «آنی میسم» یا جان گرایی است که در آن مرحله قبایل ابتدائی به وجود ارواح در اشیاء و آزاد قائل شده و به تقدیس آنها پرداخت .

۳ . مرحله ی سوم، شرك و چندخدائی (پلی تیئزم) است ، که در آن مرحله بعضی ارواح تکامل کرده به خدایان تحول یافتند .

۴ . مرحله ی چهارم ، توحید و یکخدائی و شامل ادیان متکامل مانند دینهای یهود، مسیح و اسلام است.<sup>۲۳</sup>

امروز عموماً در علم ادیان ، دینهارا طبقه بندی کرده و از نظر مراحل تکامل آنها را در سه مرحله توجیه می کنند که عبارت است از :

۱ . ادیان ابتدائی<sup>۲۴</sup> که بر توتوتم پرستی (توت میسم) و جان گرایی و روح پرستی (آنی میسم) و نیاپرستی و آئین سحر و جادوگری اطلاق می شود .

۲ . ادیان قدیم<sup>۲۵</sup> یعنی ادیان مبتنی بر شرك و چندخدائی و بت پرستی «پلی تیئزم» مانند شیوه های دینی اقوام قدیم یونان ، روم ، مصریان ، بابلیان و عرب پیش از اسلام است .

۳ . مرحله ی ادیان متکامل و مبتنی بر توحید و یکخدائی (مونوتئزم) است، که صورت تکامل یافته ی مرحله ی قبلی شمرده می شوند مانند دین های بزرگ کنونی یهود ، مسیح ، زردشت ، بودا و اسلام ، که هر کدام آنها، برخلاف ادیان مراحل قبلی، به پیامبر

و واسطه‌ی پیام خداوندگان منسوب می‌باشند .

ولی به نظر من، هیچکدام از آن طبقه‌بندیها در مراحل تکامل دین کامل نیست زیرا در هیچ یک از آن طبقه‌بندیها، دین عرفان و به اصطلاح فرهنگ اسلامی «تصوف» قرار نگرفته، و بلکه آن را با دین های یک‌خدائی یکسان شمرده‌اند . در صورتی که عرفان را باید در مرحله‌ی بعدی قرار داد . زیرا توحید عرفانی با توحید سنتی ادیان بزرگ فرق دارد . از این رو به عقیده‌ی من مرحله‌ی چهارمی نیز لازم است بر آن مراحل سه‌گانه افزوده شود . بنابراین ، مراحل تکامل ادیان را از آغاز تا امروز ، از نظر عقب ماندگی و تکامل، باید به چهار طبقه تقسیم نمود که عبارت است از :

۱ . مرحله‌ی ادیان ابتدائی ، مبتنی بر طبیعت پرستی (توتیمیسم و آنیمیسم و نیاپرستی)

۲ . مرحله‌ی ادیان قدیم، مبتنی بر شرک و چندخدائی (پلی‌تئیزم)

۳ . مرحله‌ی ادیان بزرگ، مبتنی بر توحید و یک‌خدائی (مونوتئیزم)

۴ . مرحله‌ی عرفان، مبتنی بر فلسفه‌ی وحدت وجودی (میستیسیزم)<sup>۲۶</sup>

اکنون در پائین برای توجیه و تبیین مطلب و اثبات مدعا، درباره‌ی هر یک از مراحل چهارگانه توضیحات بیشتری می‌دهیم تا جریان تحول و تکامل ادیان در مراحل مذکور بطور کامل ، از نظر مکتب تکامل اجتماعی مفهوم و واضح گردد آن وقت بابی طرفی مسائل را باید دیگر تطبیق و مقایسه می‌نمائیم .

مانده دارد

History of Religions — ۲	Comparative Religions — ۱
Auguste Conte — ۴	Charle De Brosses — ۳
Emile Durkheim — ۶	Sir Edward Tylor — ۵
Parrinder — ۹	Sir Jamse Frazer — ۸
Robert Son Smith — ۷	
۱۰ — د.ر. هیس، تاریخ مردم‌شناسی، ترجمه‌ی ابوالقاسم طاهری، تهران ۱۳۴۰، ص ۸۶ .	
Alferd Bertholet — ۱۲	Dynamism — ۱۱
۱۳ — دکتر یوسف فضائی، بنیادهای اجتماعی دین، چاپ تهران ۱۳۵۶، ص ۶۷ .	
۱۴ — هشام بن محمد بن الکللی: کتاب الاصنام، چاپ قاهره ۱۳۴۳ ه.ق، ص ۵۲-۵ .	
۱۵ — دیوید هیوم: تاریخ طبیعی دین، ترجمه‌ی حمید عنایت، چاپ تهران ۱۳۴۸، ص ۳۱ .	
Tylor : Religion Inprimitve Culture , Newyork 1958 ,V.2,P.2— ۱۶	
Animism — ۱۹	Totemism — ۱۸
	John Lubbock — ۱۷
	Monotheism — ۲۱
	Poly Theism — ۲۰
	۲۲ — د.ر. هیس، تاریخ مردم‌شناسی، ص ۸۲ .
	۲۳ — یوسف فضائی، بنیادهای اجتماعی دین، ص ۷۰ .
Ancient Religions — ۲۵	Primitive Religions — ۲۴
	Mysticism — ۲۶